

یادداشت

سیطره دولت بر بانک مرکزی



علی سعدوندی

موسس کلینیک اقتصاد

به نظر می‌رسد بانک مرکزی در ایران استقلال لازم را ندارد و سیطره دولت بر بانک مرکزی بر کسی پوشیده نیست، تسلط بر این بانک به گونه‌ای است که رئیس بانک مرکزی خود را فرمان‌بردار معاون اول رئیس جمهوری معرفی می‌کند، این در حالی است که طرح چنین سخنانی در دنیا از سوی رؤسای بانک مرکزی سابقه ندارد. در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی باعث شده ایران طولانی‌ترین دوره تورم تاریخ بشر را تجربه کند. ارائه نشدن برنامه جدید از سوی رؤسای بانک مرکزی باعث شده هر رئیس جدید که بر صندلی ریاست این بانک تکیه می‌زند، سیاست‌های گذشته را دنبال کند. بانک مرکزی در ایران وجود خارجی ندارد و صندوق اعانه دولتی است؛ به این معنا که هر زمان که دولت با کسری مواجه شد، می‌تواند با دست کردن در جیب بانک مرکزی از آن پول برداشت کند. مسئولان دولتی در اظهار نظرهای خود می‌گویند بانک مرکزی باید منابع مالی طرح‌های دولتی را تامین کند. اینجا این پرسش مطرح است که مگر در سال‌های گذشته این بانک روال دیگری در پیش گرفته بود؟ دولت بعد از فروش نفت ارز را به بانک مرکزی تحویل می‌دهد و از این بانک ریال می‌گیرد؛ در واقع بانک مرکزی با چاپ پول بدون پشتوانه ریال به دولت تحویل می‌دهد. به نظر بنده بانک مرکزی در چند سال اخیر بدترین عملکرد را در ۵۰ سال گذشته داشته است. در این سال‌ها بانک مرکزی بدون توقف اقدام به چاپ پول کرد و حتی یک سال هم این روند را متوقف نکرد. به‌طور بنده شرایط بانک مرکزی در دولت سیزدهم به مراتب سخت و دشوارتر از گذشته شده و به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ آینده وضعیت بد و حال ناخوش بانک مرکزی بدتر هم شود. این مهم به خوبی با نوسان‌های نرخ ارز و تورم موجود در کشور قابل درک است. ساختار قانونی بانک مرکزی در ایران به گونه‌ای طراحی شده که این نهاد استقلال لازم را نداشته باشد، اما در این بین شخصیت رئیس کل بانک مرکزی نیز مهم است. روندی که این بانک در پیش گرفته، این ذهنیت را تقویت می‌کند که اگر بانک مرکزی ایران در شرایط تحریم هم نبوده، باز هم حرفی برای گفتن نداشت. عملکرد بانک مرکزی ایران با اصول بانکداری در دنیا در تعارض است. بانک مرکزی در دنیا حافظ حقوق مردم است و وظیفه اصلی اش حفظ ارزش پول ملی است. اما بانک مرکزی ما در انجام این وظیفه موفق عمل نکرده است و مسئولان ارشد کشور حاضر نیستند این روند را متوقف کنند. روسیه نیز مانند ایران تحت تحریم است، اما ارزش پول ملی روسیه از سوی بانک مرکزی این کشور حفظ شده است. رئیس بانک مرکزی این کشور توانست شرایط بانثاتی را برای حفظ ارزش پولی این کشور ایجاد کند. رئیس بانک مرکزی روسیه اصول علم اقتصاد را اجرا و به آن عمل می‌کند، همچنین استقلال کافی دارد و می‌تواند خارج از فشارهای حاکمیتی تصمیم بگیرد. بدون تردید هوش و ذکاوت پوتین باعث شد فردی مستقل، باسواد، باتجربه، دلسوز و وطن پرست به‌عنوان رئیس بانک مرکزی این کشور انتخاب شود. پوتین انتظار ندارد رئیس بانک مرکزی این کشور فرمان بردار باشد و هر زمان که دولت خواست پول پاشی کند، اگر روند بانک مرکزی روسیه در ایران نیز پیاده می‌شد، بدون تردید ما هم می‌توانیم ارزش پول ملی خود را حفظ کنیم؛ هر چند به نظر بنده عدم موفقیت در حفظ ارزش پول ملی نسبت چندانایی با تحریم‌های بین‌المللی ندارد. وقتی ۸۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است، نمی‌توان انتظار داشت بانک مرکزی در برابر خواسته‌های دولت مقاومت کند؛ به بیان دیگر، اقتصاد دولتی در هر کشوری، ایجاب می‌کند در برابر استقلال بانک مرکزی است. وقتی ساختار اقتصادی دولت باشد، رفتار بنگاه و بانک‌ها نیز به تناسب آن تغییر خواهد کرد.

دریچه

جواد آرین‌منش:

جلب اعتماد دوباره مردم در گرو اجرای کامل قانون اساسی است

یک تحلیلگر مسائل سیاسی در خصوص انتخابات پیش‌رو اظهار داشت: سرمایه اجتماعی از اعتماد عمومی حاصل می‌شود، از اعتمادی که مردم نسبت به مسئولان و حاکمیت دارند، از آمیدی که در جامعه ایجاد می‌شود و در نتیجه همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورد که در صورت همبستگی اجتماعی زمینه رفیع بسیاری از مشکلات فراهم می‌شود. جواد آرین‌منش گفت: اگر مردم و مجموعه حاکمیت به صورت یکپارچه فرایند می‌توان از مشکلات متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عبور کرد. اکنون به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم تحقق وعده‌های مسئولان برنامه‌های دولت‌ها نوعی از یأس بر جامعه حاکم شده است. اکنون نخبگان در تلاش برای خروج از کشور هستند. مغزهای متفکر و متخصصان از کشور می‌روند و به محض اینکه فرصتی در خارج برایشان مهیا شود، کشور را ترک می‌کنند. اخیراً با افراد برگزیده کشور سراسری گفت‌وگویی انجام شد که در آن اکثریت قریب به اتفاق رتبه‌های بالای کنکور می‌گویند می‌خواهند از کشور بروند. دلیلش هم این است که بسترهای یک زندگی آرام در کشور فراهم نشده است و افراد برای اینکه در داخل کشور خدمت کنند، ناامید هستند. وی افزود: رسانه‌ها، حاکمیت و مخصوصاً فضای آزاد سیاسی، رفاه اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی می‌توانند سرمایه اجتماعی را ارتقا دهد. نمود سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی در انتخابات دیده می‌شود؛ به نحوی که هر چه مردم امیدوارتر باشند بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند. وقتی به فرآیند اول انقلاب که حدود ۹۸ درصد مردم در آن شرکت کردند و پاسخ مثبت هم دادند و به آخرین انتخابات که حدود ۵۰ درصد شرکت‌کننده داشت نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که شیب نادرستی طی شده است. این تحلیلگر مسائل سیاسی همچنین بیان کرد: هر چقدر مردم احساس کنند نقش بیشتری در اصلاح امور دارند مشارکتشان بالا می‌رود. وقتی مردم بای صندوق نزنند و احساس کنند تأثیری در تصمیم‌سازی‌ها ندارند و فکر کنند که افزایش مشارکت در بهبود شرایط نقشی ندارد، طبیعی است که پای صندوق‌ها نزنند. آرین‌منش به عنوان راهکار جلب اعتماد سرمایه اجتماعی تصریح کرد: اگر قانون اساسی کنونی که مورد قبول همه است به طور کامل اجرا شود، بسیاری از مشکلات حل می‌شود و می‌توان دوباره اعتماد عمومی را جلب کرد.

نگره

عضویت در بریکس و سفره مردم

این اتفاق معجزه‌ای برای

کاهش اثرات تحریم‌ها خواهد بود؟

بعد از پیوستن ایران به بریکس، گمانه‌زنی‌ها از شکست شدن قفل تحریم‌ها و عدم نیاز به مذاکره برای رفع تحریم در محافل داخلی مطرح شد. اما چه میزان تصویری که ظرفیت‌های بریکس وجود دارد با واقعیت منطبق است؟ پیوستن ایران به بریکس گمانه‌زنی‌ها درباره راه‌های ایران از تحریم‌ها را در محافل داخلی مطرح کرده است. برخی تحلیلگران و حتی نمایندگان مجلس، بریکس را نهادی برای تقابلی ایدئولوژیک شرق با غرب ارزیابی کردند. تقابلی که بر مبنای این تحلیل، ایران را در شرایط تحریم‌های آمریکا قادر خواهد ساخت بدون برجام، تحریم‌ها را خنثی کند. در همین ارتباط، علی خضریان نماینده تهران در مجلس درباره پیوستن ایران به بریکس گفته «دقیلماسی اقتصادی برای کنار گذاشتن دلار بوسیله ایجاد یک اتحادیه تجاری-سیاسی است تا عملاً رژیم‌های تحریمی علیه کشور را خنثی کند». جبار کوچکی نژاد عضو کمیسیون برنامه و بودجه نیز معتقد است بریکس «گام بزرگی در مسیر عبور از شرایط تحریمی است». این در حالی بود که جلال‌زاده عضو کمیسیون امنیت ملی، یک گام جلوتر گذاشت و بریکس را «اسم رمز شکست تحریم‌های غرب» توصیف کرد. چه آنکه، اهمیت بریکس (کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) در اقتصاد سیاسی بین‌المللی بی‌دلیل نیست و جذابیت حضور طبیعی از قدرت‌های کلیدی نوظهور، نمایندگان مجلس را به این استنباط رسانده که عضویت ایران در بریکس می‌تواند مسیر دور زدن تحریم‌های آمریکا را تضمین کند. اگر چه تأسیس نهادهای مالی را می‌توان مهم‌ترین موفقیت بریکس در پیشبرد همگرایی و مهم‌ترین مزیت آن در شرایط کنونی برای کشورهایمانند ایران دانست که به تازه‌گی به عضویت بریکس درآمده‌اند، اما بریکس به‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه، در توسعه دستور کار خود با چالش‌هایی نیز مواجه است که نگاه کارشناسان اقتصادی به ظرفیت‌های بریکس برای ایران را واقع‌بینانه‌تر می‌کند. کشورهای بریکس دارای نظام‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و اولویت‌های متفاوتی هستند که می‌تواند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی را برای آنها پیچیده کند. برای مثال، کشورهای بریکس مواضع متفاوتی در مورد جنگ داخلی سوریه اتخاذ کردند. روسیه و چین از دولت سوریه حمایت کرده‌اند، در حالی که هند و برزیل بیشتر از وضعیت حقوق بشر دولت انتقاد کرده‌اند. مناقشه بر سر ماهیت جنگ سوریه به نفع از آن شد که کشورهای بریکس بیانیه واحدی درباره آن صادر کنند. از سوی دیگر دیگر کشورهای بریکس مواضع متفاوتی در مورد گسترش ناتو دارند. روسیه با گسترش ناتو مخالفت کرده، در حالی که هند و برزیل بیشتر از نقش ناتو در امنیت اروپا حمایت می‌کنند. مناقشه بر سر گسترش ناتو باعث شده است که کشورهای بریکس نتوانند بیانیه واحدی درباره این موضوع صادر کنند. موضوعی که احتمالاً تهران را در آینده، در موقعیت‌های فشارهای حقوق بشری آمریکا بر کشورها یا گروه‌های هم‌پیمان با ایران در عراق، لبنان، افغانستان و یمن با موضع کشورهای بریکس دچار مشکل خواهد کرد با مزیت‌های اقتصادی را در گرو همسویی با سیاست خارجی ایران با این کشورها قرار خواهد داد. موقعیتی که برای نمونه در مصالحه ایران با عربستان، همبستگی‌های چین مورد پذیرش ایران قرار گرفت. از دیگر چالش‌های ارتباط ایران با کشورهای بریکس، آن است که این کشورها دارای سطوح نامتوازن در توسعه اجتماعی-اقتصادی، نسبت به ایران هستند؛ در حالی که چین پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر و بهبود استانداردهای زندگی داشته است، کشورهایمانند هند، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی هنوز با چالش‌های قابل توجهی در کاهش فقر، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه زیرساخت‌ها روبرو هستند. از سوی دیگر، برخی از کشورهای بریکس، مانند چین، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها انجام داده‌اند، در حالی که برخی دیگر با شکاف‌های زیرساختی قابل توجهی روبرو هستند. یکی دیگر از عوامل مراحل مختلف توسعه اقتصادی است که کشورهای بریکس در آن قرار دارند. چین و هند توسعه یافته‌ترین کشورهای بریکس هستند، در حالی که روسیه این بدان معناست که بین اقتصادهای کشورهای بریکس توازن و تعادل چندانی وجود ندارد. یکی دیگر از عواملی که در سطح پایین تجارت درون بریکس نقش داشته، به‌بنای عدم وفاق بین کشورهای بریکس است. کشورهای بریکس در نقاط مختلفی از جهان واقع شده‌اند و این امر می‌تواند هزینه حمل و نقل کالایی آنها را گران کند. البته مهم‌ترین مزیت‌های مهم عضویت ایران در این نهاد، دستیابی به منابع مالی در مکالمه اقتصادی و نیز بانک توسعه جدید این نهاد است. اگر چه تحریم‌های مالی آمریکا دسترسی به منابع این نهاد برای ایران دشوار خواهد کرد، اما با توجه به ارائه بخشی از منابع مالی به ارزهای معامو، امکان بهره‌گیری ایران در صورت موافقت سایر اعضا وجود دارد.

دکتر بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تنش‌های بین‌المللی

به‌حامل سرخوردگی

مردم ایران تبدیل شده است

اقتصادرانی توان با راضی نگه داشتن مصنوعی مردم اداره کرد

دولت برای تأمین منابع مورد نیاز خود مسیر اشتباهی را انتخاب کرده است

توسعه تحت تأثیر شعارهای سیاسی قرار گرفته است

با این شیوه مدیریت، بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای تعطیل می‌شود

آرمان ملی - احسان انصاری: «وضعیت کنونی کشور نتیجه سال‌های پدیدری است. از نیمه‌های دولت اول آقای خامنه‌ی تاکنون ایران دارای پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. این در حالی است که بدون سرمایه‌گذاری شغل ایجاد نمی‌شود و درآمد اقتصادی به وجود نمی‌آید. به همین دلیل تنش‌های بین‌المللی را باید یکی از عوامل سرخوردگی مردم ایران قلمداد کرد. هر کشوری که در عرصه بین‌المللی با چالش‌های بیشتری مواجه شود به همان اندازه امکان امتیازگیری از آن بیشتر خواهد بود.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» درباره استراتژی کنونی دولت سیزدهم برای کاهش مشکلات اقتصادی است. آرمان در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های این مسیر اشاره می‌کند که ما حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

رکود اقتصادی در ماه‌های اخیر به چه معناست؟ آیا دولت تلاش می‌کند با کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه‌های بهبود وضعیت اقتصادی را فراهم کند؟

در شرایطی که کشور با تنش‌های بین‌المللی مواجه است و از سوی دیگر نپذیرفتن اف‌ا‌ی تی اف و نوسانات زیادی که در زمینه نفت، گاز و پتروشیمی داریم، باعث شده تا رویکرد دولت را در زمینه اقتصادی متناهی با شرایط امروز جامعه ندانم. در طول سه سال اخیر قیمت گاز طبیعی برای کارخانه‌های فولادسازی بیش از ۲۰ برابر افزایش پیدا کرده است. این موضوع نه تنها روی تولید، بلکه روی موقعیت ایران در زمینه رقابت‌پذیر بودن تولیدات ایرانی در بازارهای جهانی تأثیر خواهد گذاشت. در دهه‌های گذشته و با در پیش گرفتن سیاست‌های پوپولیستی و راضی نگه داشتن مصنوعی مردم این اتفاق در ایران در حال رخ دادن است. بر اساس آماری که شرکت نفت بریتانیا داده و مطالعات یک نهاد معتبر بین‌المللی، ایران از نظر داشتن منابع گاز طبیعی در رده نخست جهان قرار دارد. بر اساس این تحقیقات ذخایر گاز ایران حتی از روسیه نیز بیشتر است. در طول این سال‌ها ایران با معرض تحریم قرار داشته و به همین دلیل با کشورها و شرکت‌های صاحب تکنولوژی نتوانسته ارتباط برقرار کند پس از انقلاب ما نتوانستیم مخزن جدیدی از گاز را کشف کنیم. آنچه که امروز وجود دارد و آمارهایی که به نهادهای بین‌المللی در این زمینه داده می‌شود متعلق به دوران پیش از انقلاب است. سیاست‌هایی که دولت برای تأمین منابع مالی مورد نیاز خود در نظر گرفته با توجه به مسائلی که مطرح کردم در مسیر اشتباهی قرار دارد و به نتیجه نخواهد رسید.

چرا دولت در این مسیر اشتباه حرکت می‌کند؟

دلیل این موضوع این است که بسیاری از منابع مالی مورد نیاز دولت در ارتباط با خارج از کشور است. به صورت طبیعی هنگامی که ما پول نداشته باشیم وارداتی نیز در کشور صورت نمی‌گیرد. اگر واردات نیز صورت نگیرد، به صورت طبیعی عوارض گمرکی، سود بازرگانی و امتلاهم نیز گرفته نمی‌شود. مهم‌ترین آسیبی که این نوع شیوه اداره اقتصاد کشور به کشور وارد می‌کند این است که تعطیلی مقطعی یا کامل بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای را در پی دارد. به عنوان مثال آزادراهی مانند آزادراه اصفهان به شیراز که در حدود ۲۲۰ کیلومتر است نباید ۱۵ سال طول بکشد، بلکه بر اساس استانداردهای جهانی باید حداکثر در طول دو سال به پایان برسد. این مسائل مشکلاتی را برای کشور به وجود آورده است. مشکلاتی نیز در اقتصاد کشور وجود دارد که ارتباطی با تحریم‌ها و وضعیت قیمت ارز ندارد. به عنوان مثال آزادراه‌ها، ساخت راه‌آهن و

در کشوری که رشد اقتصادی وجود ندارد، پروژه‌ای اجرا نمی‌شود طبیعی است که چنین اتفاقی رخ خواهد داد. در این شرایط مدیران و وزرای مربوطه از خود سلب مسئولیت می‌کنند ایران توانایی تولید ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه برقی که برق رایگان تولید می‌کند را دارد در حالی که تنها ۱۲ مگاوات آن احداث شده است. این موضوع نیز ارتباطی به وضعیت تحریم‌ها و بازار ارز ندارد و تکنولوژی آن نیز در اختیار شرکت‌های داخلی قرار دارد. دولت هنوز نتوانسته در زمینه خرید تضمینی برق با بخش خصوصی به توافق دست پیدا کند

کسانی که مدیریت بورس را برعهده دارند بر این باور هستند که بورس باید مانند یک کازینو باقی بماند و نقشی در توسعه اقتصادی کشور نداشته باشد. در کشورهای تازه توسعه یافته و کشورهای تازه صنعتی شده بین ۵۵ تا ۶۰ درصد منابع طرح‌های توسعه‌ای از طریق بازار سرمایه تأمین می‌شود. این نسبت در ایران تنها ۵ درصد است. اینها موضوعاتی هستند که می‌تواند مورد توجه دولت و مجلس قرار بگیرد تا بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند

کشورهای غربی علیه ایران اعمال کرده‌اند بدون تردید تبادلات کالایی و واردات تکنولوژی و ماشین‌آلات پیشرفته که کشورهای اروپایی در اختیار دارند، با چالش مواجه خواهد شد. به عنوان مثال دولت آقای رئیسی به مردم قول داده که در طول چهار سال ریاست جمهوری خود چهار میلیون خانه بسازند. این در حالی است که تحقق چنین وعده‌هایی نیاز به تکنولوژی دارد. امروز شرکت تکیه‌ای که در شهرهای پرند و پردیس در حال فعالیت است دارای تکنولوژی است. شرایط به شکلی است که این شرکت یک برج ۱۶ طبقه را در مدت ۸ ماه تحویل می‌دهد. این تکنولوژی در اختیار ایران نیست. در حالی که سازمان بورس و اوراق بهادار در آیین‌نامه تأسیس شرکت‌های سهامی عام پروژه محور به این موضوع اشاره شده است. با روندی که ما در حال ساخت مسکن هستیم به صورت مجلس قرار بگیرد تا بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. اگر ما در سیستان و بلوچستان و یا در کردستان اقدامات زیرساختی و پروژه‌های توسعه‌ای انجام می‌دادیم شاید شاهد این موضوع نبودیم که تنش‌های اجتماعی در این دو استان بیشتر از استان‌های دیگر کشور باشد. به عنوان مثال مادر سال جاری می‌توانستیم ۳۵ میلیون تن فولاد در کشور تولید کنیم که بخش بزرگی از آن صادر شود. با این وجود ما نتوانستیم این میزان فولاد تولید کنیم. در چنین شرایطی دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد و مجبور می‌شود اسکناس بدون پشتوانه چاپ کند. همه این موارد دست‌به‌دست هم می‌دهد تا نرخ تورم افزایش پیدا کند. در چنین شرایطی سوداگری مالی در بخش مسکن و ارز و طلا افزایش پیدا خواهد کرد. من به آن توجه نکرده‌ام. این در حالی است که دولت به راحتی می‌تواند از طریق اوراق سپرده ویژه به جای سپرده عام که مشخص نیست منابع مالی آن در چه زمینه‌های هزینه می‌شود اقدام به استفاده از این ابزار کارآمد کند. البته با تحریم‌هایی

سخن شما به این معناست که رویکردی که دولت در زمینه اقتصادی در پیش گرفته چالش‌های اقتصادی را کاهش نخواهد داد؟

در کشوری که رشد اقتصادی وجود ندارد، پروژه‌ای اجرا نمی‌شود طبیعی است که چنین اتفاقی رخ خواهد داد. در این شرایط مدیران و وزرای مربوطه از خود سلب مسئولیت می‌کنند. ایران توانایی تولید ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه برقی که برق رایگان تولید می‌کند را دارد در حالی که تنها ۱۲ مگاوات آن احداث شده است. این موضوع نیز ارتباطی به وضعیت تحریم‌ها و بازار ارز ندارد و تکنولوژی آن نیز در اختیار شرکت‌های داخلی قرار دارد. دولت هنوز نتوانسته در زمینه خرید تضمینی برق با بخش خصوصی به توافق دست پیدا کند. به عنوان مثال برای هر شغلی که به صورت مستقیم در بخش پتروشیمی ایجاد می‌شود ۱۲۰ شغل جدید به صورت غیرمستقیم به وجود می‌آید. واقعیت این است که وضعیت کنونی کشور نتیجه سال‌های پدیدری است. از نیمه‌های دولت اول آقای خامنه‌ی تاکنون ایران دارای پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. این در حالی است که بدون سرمایه‌گذاری شغل ایجاد نمی‌شود و درآمد و رشد اقتصادی به وجود نمی‌آید. به همین دلیل تنش‌های بین‌المللی را باید یکی از عوامل سرخوردگی مردم ایران قلمداد کرد. هر کشوری که در عرصه بین‌المللی با چالش‌های بیشتری مواجه شود به همان اندازه امکان امتیازگیری از آن بیشتر خواهد بود. به نظر می‌رسد برخی جریان‌هایی داخلی و خارجی برنامه‌ای در پیش گرفته‌اند که در ایران توسعه اقتصادی صورت نگیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. به همین دلیل به همان صورت که باید ریشه‌های داخلی این بحران را مورد بررسی قرار داد، باید به دلایل خارجی آن نیز توجه داشت.